

A Critical Study of Orientalists' Reflections on Two Alleged Images of Abraham in *Qur'an* and the Identity of His Sacrificed Son



Āmene Shāhande 

Associate Professor in Islamic Theology, Payam-e Noor University, Tehran, Iran.

(Corresponding author: Shahande_a@pnu.ac.ir)

Abstract

It is necessary to study the works of scholars and critique their views on the *Qur'an* and Islamic teachings. Considering the importance of Prophet Abraham as the founder of monotheistic religions, and his son Isma'il as the sacrifice of his father, orientalists have studied the lives of these prophets in their studies. Although some Orientalists have done research on Islam and the *Qur'an*, they have made some mistakes due to inconsistencies in the verses. For example, the difference between the attributes of Prophet Abraham in the verses, the emphasis on the non-prominence of him in some verses, confirming the expression of the *milla* of Abraham, and identity of the sacrificed son. In addition to the Orientalists' motivation for claiming differences in the verses, it seems that one of the factors created the illusion of difference is the lack of access to reliable sources. The present study has studied the works of Orientalists on the subject with an analytical-critical approach. This study aimed to examine the works of Orientalists on the subject with an analytical-critical approach. An attempt will be made to defend the hypothesis that orientalists, due to the bias they have unintentionally shown on their cultural perceptions of the meanings of the verses, and also due to incomplete access to reliable sources, when they observe any kind of difference between one verse and another, they consider it as a distortion and contradiction; While two verses can be considered contradictory just when the truth of one verse results in another falsehood.

Keywords: Orientalists, Meccan and Medinan Verses, Prophet Ibrahim (PBUH), Sacrifice.

Original Research


Received: 15/ 11/ 2021, accepted: 4/ 7/ 2022, and published: 4/ 7/ 2022, Pages: 11-31.

Publisher: Mashhad Faculty of University of Quranic Theology and Awareness.

Print ISSN: 2783-5294

Online ISSN: 2783-5308

Open access in web address: <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

 DOR: 20.1001.1.52942783.1401.3.1.1.4

NOTE: Latin transliteration of the bibliography is included in the final pages of this article.



توصیفات ابراهیم (ع) در آیات مکی و مدنی و هویت ذبیح او: نقد آراء تفسیری مستشرقان

آمنه شاهنده

دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
(Shahande_a@pnu.ac.ir)

چکیده

مطالعه آثار محققان درباره قرآن و علوم اسلامی و نقد آراء آنها امری ضروری است. با توجه به اهمیت ابراهیم (ع) به عنوان بنیان‌گذار ادیان توحیدی، و اسماعیل (ع) به عنوان ذبیح پدر، خاورشناسان در مطالعات خود به بررسی زندگی این پیامبران پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد اینان در نتیجه دست‌رسی نداشتن به منابع اصیل اسلامی دچار لغزش‌هایی شده‌اند؛ لغزش‌هایی مانند پذیرش وجود تناقض در آیات مربوط به ابراهیم (ع). آن‌ها تفاوت اوصاف ابراهیم (ع) در آیات قرآن، برجسته نبودن ابراهیم (ع) در برخی آیات و از دیگرسو تأکید بر «ملة ابراهیم» در آیاتی دیگر، و تفاوت هویت و اوصاف ذبیح در قرآن و عهدین را نتیجه چنین تناقضی دانسته‌اند. صرف‌نظر از انگیزه‌های مستشرقان در یک چنین بحثی، یکی از عواملی که باعث ایجاد توهم تفاوت شده، دست‌رس نداشتن به منابع متقن است. در این مطالعه می‌خواهیم با رویکرد تحلیلی - انتقادی به بررسی آثار مستشرقان درباره موضوع بپردازیم. بناست از این فرضیه دفاع کنیم که خاورشناسان به علت تعصبی که ناخواسته روی برداشت‌های فرهنگی‌شان از مفاهیم آیات نشان داده‌اند، و هم‌چنین به سبب دست‌رسی ناقص به منابع معتبر، هنگام مشاهده هر نوع تفاوتی در میان آیه‌ای با آیه دیگر، آن را تحریف و تناقض تلقی نموده‌اند؛ در حالی که زمانی می‌توان دو آیه را متناقض دانست که از صدق یک آیه کذب دیگری حاصل شود.

کلیدواژه‌ها: مستشرقان، آیات مکی و مدنی، ابراهیم (ع)، ذبیح.

مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۰/۸/۲۴ ش، پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۱۳ ش، نشر: ۱۴۰۱/۴/۱۳ ش، صفحه ۱۱ تا ۳۱.

ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی مشهد)

شاپای چاپی: ۵۲۹۴-۲۷۸۳

شاپای الکترونیکی: ۵۳۰۸-۲۷۸۳

دست‌رسی آزاد: پایگاه اینترنتی <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

DOR: 20.1001.1.52942783.1401.3.1.1.4

درآمد

اکثر روی داده‌های مربوط به زندگی پیامبران در قرآن بر حسب اتفاقات، درخواست‌ها، پرسش‌های مردم و اقتضائات زمانی به طور پراکنده طرح و تبیین شده است. داستان انبیاء الهی در قرآن کریم، به جز قصه یوسف (ع) که شرح حال منظمی از او در یک سوره آمده، معمولاً به صورت حوادثی جدا و پراکنده و برپایه مقتضیات زمانی بیان شده است و کم‌تر به ترتیب آن رخدادها اشاره دارد. این شیوه بیان را باید جزئی اساسی از زبان ویژه قرآن، و احتمالاً، اقتضائات و شرایط زمانی و مکانی نزول آن به شمار آورد. داستان ابراهیم (ع) و حوادث مربوط به زندگی وی نیز به همین منوال در سوره‌ها و آیات مختلفی مطرح شده است.

ابراهیم (ع) از بزرگ‌ترین پیامبران الهی و بنیان‌گذار ادیان توحیدی است. برپایه قرآن کریم، وی دارای شریعت و کتاب الهی بوده است (اعلیٰ / ۱۹) و بعد از او نیز پیامبرانی از طرف خدا مبلغ و مروج دین او بوده‌اند (برای نمونه، بنگرید به: بقره / ۱۳۳؛ یوسف / ۳۸). ابراهیم (ع) در طول زندگی خود با سختی‌ها و مشقت‌های فراوان روبه‌رو شد. در قرآن بخش‌های مختلف داستان وی به تفصیل بیان، و شأن و مقامی والا به او اختصاص داده شده است. از جمله این مقام‌ها — افزون بر مقام نبوت و رسالت — مقام امامت (بقره / ۱۲۴)، صدیق بودن (مریم / ۴۶)، و خلیل‌الله بودن وی (نساء / ۱۲۵) است.

برخی از خاورشناسان درباره توصیفات قرآنی از انبیاء الهی، و از جمله درباره توصیفات ابراهیم و اسماعیل (ع) و جنبه‌های مختلف زندگی آن‌دو در قرآن مطالعه کرده‌اند. باین حال، سنجش اعتبار این مطالعات برپایه متون اسلامی و میراث تفسیری جهان اسلام هنوز در مراحل آغازین است. از میان مطالعات مستشرقان اسلام‌پژوه درباره ابراهیم (ع)، آراء شخصیت‌هایی مثل آلوئیس اشپرنگر^۱، کریستین اسنوک هورخرونیه^۲، آرنه ونسینگ^۳، آبراهام گایگر^۴ و ژوون

-
1. Aloys Sprenger
 2. Christiaan Snouck Hurgronje
 3. Arent Jan Wensinck
 4. Abraham Geiger

فایرستون^۱ را باید نمونه‌های کلاسیک و مشهور به‌شمار آورد. اینان در مطالعات‌شان توصیفاتی غریب از ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) بازنموده‌اند که با نگرش‌های مسلمانان سازگاری ندارد. مثلاً، بی‌توجه به تفاوت‌های بنیادین سوره‌های مکی و مدنی، تصویرها از شخصیت وی در این دو سنخ از آیات را متناقض انگاشته، و به‌تلویح، برگرفته از خواسته‌ها و مصلحت‌سنجی‌های پیامبر (ص) و ترفندهای سیاسی بازنموده‌اند.

طرح مسئله

در دوران معاصر مطالعاتی تطبیقی درباره ابراهیم (ع) صورت گرفته است؛ مثلاً برای مقایسه تصویر عالمان دانش‌های مختلف اسلامی از او (برای نمونه، بنگرید به: آقاحسینی و زراعتی، «بررسی تطبیقی...»، سراسر مقاله)، یا مثلاً برای مقایسه تصویر بازتابیده از او در ادیان ابراهیمی با یافته‌های باستان‌شناختی (برای نمونه، بنگرید به: بیک‌محمدی، «مطالعه تطبیقی...»، سراسر مقاله).

فراتر از این‌ها، می‌توان کوشش‌هایی نیز برای بررسی و نقد آراء مستشرقان درباره ابراهیم (ع) را مشاهده کرد. برای نمونه، علی‌رضا حیدری در ضمن نقد آراء مستشرقان درباره وقوع تناقض در قرآن کریم (۱۳۹۴ش)، با تأکید بر این‌که ابراهیم (ع) در قرآن به قیاس با دیگر پیامبران اوصافی انحصاری دارد آراء مستشرقان درباره تناقض توصیفات قرآنی از او را نقد می‌کند (بنگرید به: حیدری، «نقد و بررسی...»، ۱۵۲-۱۵۵).

مطالعه متمرکزتر این مسئله را ملک‌لو و همکارانش دنبال کرده‌اند (۱۳۹۷ش). آن‌ها در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل انتقادی دیدگاه برخی خاورشناسان درباره تفاوت چهره ابراهیم و اسماعیل در سور مکی و مدنی» به این نتیجه رسیده‌اند که نظریه اشپرنگر و هورخرونیه درباره تفاوت چهره ابراهیم و اسماعیل (ع) و پیوند آن‌ها در سور مکی و مدنی و تحلیل آن براساس افزایش تدریجی شناخت و آگاهی پیامبر (ص) یا هم‌چون ترفندی سیاسی برای جلب حمایت قدرتمندان مکه و مدینه، یعنی مشرکان و یهودیان، با نقدهایی جدی مواجه است. مهم‌ترین این نقدها از جنبه روش‌شناختی، بی‌توجهی به شواهد مخالف نظریه، و تحلیل‌های متنی متأثر از

پیش فرض اقتباس قرآن از عهدین است (ملک لو، «تحلیل انتقادی...»، ۱۱۳).
 باین حال، تا کنون آراء خاورشناسان دربارهٔ دو مسئله نیازمند به کاوش بیشتر دارد؛ یکی تصویر متمایز ابراهیم (ع) در سوره‌های مکی و مدنی، و دیگر، این که چه کسی به دست ابراهیم (ع) ذبح شد. در مطالعه پیش‌رو می‌خواهیم بدانیم که اولاً، خاورشناسان مختلف به دو مسئله یادشده چه پاسخ‌هایی داده‌اند؛ ثانیاً، چه اندازه این پاسخ‌ها برپایه شواهد مختلف از نگاهی بی‌طرفانه پذیرفتنی اند.

۱. تمایز مزعوم توصیفات ابراهیم (ع)

مشخصاً سه تن از خاورشناسان بحث‌های گسترده‌ای دربارهٔ توصیفات ابراهیم در قرآن مطرح کرده‌اند: اشپرنگر، هورخرونیه و ونسینگ. اکنون در گام نخست از بحث بنا داریم آراء ایشان را مرور کنیم.

۱-۱ اشپرنگر

اولین فردی که سخن از تفاوت توصیفات ابراهیم (ع) را در آیات قرآن را مطرح کرد، اشپرنگر (۱۸۱۳-۱۸۹۳ م / ۱۱۹۲-۱۲۷۲ ش) پزشک و خاورشناس اتریشی بود (برای وی، بنگرید به: سبحان، فرهنگ خاورشناسان، ۱/ ۳۴۸؛ عبداللهی، فرهنگ اسلام‌شناسان خارجی، ۱/ ۱۳۷). می‌توان آراء او را این‌گونه خلاصه و جمع‌بندی کرد که پیامبر (ص)، آمال، آرزوها و تصورات خود را منسوب به ابراهیم (ع) دانسته، و به مردم القاء کرده است.

وی با مرور آیات قرآنی مرتبط با بحث ابراهیم (ع) این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که پیامبر (ص) در دوران حضورش در مکه اطلاعاتی دربارهٔ ابراهیم (ع) نداشته، و از همین‌رو در آیات مکی سخنی از ابراهیم (ع) نگفته، اما بعد از هجرت به مدینه و ارتباط بیشتر با مردم و مطالعه آثار یهودیان، و البته به قصد جلب حمایت ایشان ابراهیم (ع) را که یکی از آباء دین یهود به‌شمار می‌رود بانی کعبه معرفی کرده است (اشپرنگر، زندگی محمد (ص)، ۱۱۹ به بعد). او توضیح می‌دهد مردمان مکه اصولاً درکی از مفهوم پیامبری نداشتند و انتظار می‌بردند اگر قرار باشد خدا فرستاده‌ای برای‌شان بفرستد، او کسی از جنس ملائک باشد و در خیابان‌ها و کوچه‌ها راه نرود (همان، ۱۲۰-۱۱۹).

به نظر او علت اختلاف آیات مکی و مدنی پیرامون شخصیت ابراهیم (ع) آن است که پیامبر (ص) در مکه به یهودیان و حمایت آن‌ها امید و اعتماد داشت؛ اما زمانی که یهودیان به دشمنی با وی برخاستند، بناچار تغییر موضع داد و به دنبال پناهگاهی غیر از یهودیان برای خود و پیروانش رفت. این‌گونه، شخصیت و هویت متفاوتی برای ابراهیم (ع) ترسیم کرد و او را هم‌چون مؤسس و بانی قوم عرب شناساند. از جمله، نام اسماعیل (ع) را نیز هم‌چون پدر قوم عرب و فرزند ابراهیم (ع) یاد کرد (برای تبیین مفصل آراء اشپرنگر در این‌باره، بنگرید به: زمانی، مستشرقان و قرآن، ۳۶۶).

۲-۱) هورخرونیه

هورخرونیه (۱۸۵۷-۱۹۳۶م / ۱۲۳۶-۱۳۱۵ش) استاد شریعت اسلامی در دانشگاه لیدن هلند با توجه به مطالعات و پژوهش‌های اشپرنگر به بسط و توسعه دیدگاه‌های او درباره ابراهیم (ع) و پسرش پرداخت. وی در رساله دکتری خود با عنوان جشن مکه^۱ نظریه‌ای درباره ابراهیم (ع) و اوصاف وی مطرح کرد. این نظریه که به توصیفات متفاوت ابراهیم (ع) در آیات مکی و مدنی می‌پرداخت مورد توجه فراوان قرار گرفت (بنگرید به: پارت^۲، «ابراهیم»، ۹۸۰).

هورخرونیه می‌گوید که در اولین آیات نازل‌شده در قرآن، ابراهیم (ع) فقط هم‌چون یک پیامبر مانند دیگر پیامبران معرفی شده، و صحبتی از ارتباط نسبی او با اسماعیل نشده است. او می‌افزاید که در آیات مکی گفته می‌شود عرب‌های جزیره العرب هیچ پیامبری نداشته‌اند. حتی ابراهیم (ع) در آیات مکی هم‌چون اولین مسلمان هم نامبرده نمی‌شود. با این حال، در آیات مدنی، با توجه به ارتقاء آگاهی و دانش عمومی پیامبر (ص) درباره رابطه پدر و فرزندی میان ابراهیم و اسماعیل (ع)، و از آن مهم‌تر، امتناع یهودیان از تأیید و تصدیق پیامبر (ص)، وی مجبور به تغییر رویه در طرح توصیفات ابراهیم (ص) گردیده، و ابراهیم (ع) را در قرآن با عناوینی هم‌چون بانی کعبه، نیای اهل مکه، حنیف و مسلم شناسانده است (بنگرید به: هورخرونیه، جشن مکه، ۳۱ به بعد).

1. Het Mekkuunsche Feest (Leiden, E. J. Brill, 1880).

2. Paret.

هورخرونیه می‌افزاید که در سوره های مکی، ابراهیم (ع) به عنوان یکی از پیامبران الهی بدون هیچ نوع امتیاز و برتری خاصی نسبت به دیگر انبیاء الهی مطرح شده است (همان، 33). به نظر وی، اگر ابراهیم (ع) در میان عرب‌های مکه جایگاه و منزلتی داشت، پیامبر (ص) در دوره مکی برای برای جلب قلوب مردم مکه رابطه خود با ابراهیم (ع) را مطرح، و تأکید می‌کرد که آئین او همان «ملت ابراهیم» است (همان، 34)؛ در صورتی که این توصیف از وی تنها در آیات مدنی مطرح شده است. وی در تقویت این مدعا (همان‌جا) می‌افزاید که آیات مکی گاه سخن از آن دارند که پیش از پیامبر اکرم (ص) هیچ پیامبری برای قوم عرب ارسال نشده است (سبا/ ۴۴). از آن‌سو، آیاتی نیز حاکی است که پیامبر (ص) در این دوران کوشش‌هایی جدی برای دعوت اهل مکه به دین خود داشته‌اند؛ مثلاً، آن‌جا که گفته می‌شود:

وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ تَتَّخِطُّفُ مِنَّا أَوْلَمَ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجَبِّي إِلَيْهِ
ثَمَرَاتٍ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِن لَدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (قصص/ ۵۷).
أَوْلَمَ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَّخِطُّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ
اللَّهِ يَكْفُرُونَ (عنكبوت/ ۶۷).

هورخرونیه می‌گوید: با وجود آن‌که پیامبر (ص) در این دوران تلاش می‌کرد مردم مکه را به دین خود بخواند، و با وجود آن‌که اگر می‌گفت آیین وی همان دین کهن بنانهنده خانه کعبه است ممکن بود با استقبال بهتری مواجه شود، وی هرگز در دوران مکی دعوت خود ابراهیم (ع) را به عنوان نیای عرب و بنای دین اسلام و کعبه معرفی نکرد (هورخرونیه، جشن مکه، 38).

۳-۱) ونسینگ

ونسینگ (۱۸۸۲-۱۹۳۹م/ ۱۲۶۱-۱۳۱۸ش) در مقاله «ابراهیم» که برای تحریر نخست *دائرة المعارف اسلام* نوشته، به تأیید سخنان اشپرنگر و هورخرونیه پرداخته است (بنگرید به: ونسینگ، «ابراهیم»، 27). وی در نوشته‌های دیگر خود نیز در مقام تأیید آراء آن‌دو می‌گوید ابراهیم (ع) در اولین آیات مکی از قرآن که یاد می‌شود - مثلاً، آیه ۵۲ به بعد سوره انبیاء یا آیه ۱۵ به بعد سوره عنكبوت - فقط به عنوان پیامبر و فرستاده خدا و همانند دیگر پیامبران شناسانده شده، هیچ سخنی از ارتباط نسبی ابراهیم (ع) با اسماعیل (ع) نرفته، بل که بر مبعوث نشدن پیامبری در میان مردم جزیره العرب تأکید رفته است (بنگرید به: سجده/ ۲؛ سبا/ ۳۴؛ یس/ ۵).

با این حال، در آیات مدنی چهره ابراهیم (ع) به یکباره طور دیگری معرفی می‌شود: در آیات ۱۱۸ به بعد سوره بقره و آیات ۶۰ به بعد سوره آل عمران ابراهیم هم چون حنیف و مسلم معرفی می‌شود که به همراه پسرش پایه‌های خانه کعبه را بنیان‌گذاری کرده است (ونسینگ، محمد و یهودیان در مدینه^۱، 60).

ونسینگ نیز مانند اشپرنگر و هورخرونیه، معتقد است پیامبر (ص) در مکه به حمایت‌ها و پشتیبانی‌های یهودیان امیدوار بود. از همین رو، از اعتقادات آن‌ها استفاده کرد و ابراهیم (ع) را هم چون موسس آئین یهود بازشناساند. در مرحله بعد، دشمنی یهودیان با او علنی شد و امیدش را به پشتیبانی‌های ایشان از دست داد. این‌گونه، ابراهیم (ع) را پدر و مؤسس قوم عرب نامید تا خود و خویشاوندانش را که عرب غیر یهود بودند، فرزند ابراهیم (ع) معرفی کند. او برای تأمین این هدف اسماعیل (ع) یعنی کسی را که عرب‌ها جدّ خود می‌دانستند فرزند ابراهیم (ع) شناساند و بنای شهر استراتژیک مکه را نیز به او نسبت داد (ونسینگ، «ابراهیم»، 27).

۲. نقد و بررسی آراء یادشده

از مرور آراء این سه خاورشناس می‌توان دریافت بر این باور بوده‌اند که پیامبر (ص) در مکه به حمایت یهودیان امیدوار بوده، و از این رو برخورد نرمی با آن‌ها داشته، و ابراهیم (ع) را به عنوان پیامبری یهودی معرفی کرده است. با این حال، در مدینه با تغییر وضعیت و نومیدی از امکان جذب یهودیان هویت مستقلی به عرب‌ها داده، آن‌ها را متصل به نسل ابراهیم (ع) کرده، و شخصیتی اسطوره‌ای برای فرزند وی اسماعیل (ع) به مثابه جد قوم عرب ترسیم کرده، و بنیان‌گذاری دین اسلام را که — ادعا می‌کند اصل دین قوم یهود نیز همان بوده — و هم‌چنین بنای کعبه را به این پدر و پسر منتسب داشته است.

۱-۲) جایگاه ابراهیم (ع) در قرآن

در مقام نقد خوانش یادشده از آیات قرآن کریم، نخست لازم است با مرور آیات قرآن درباره ابراهیم (ع) تصویری از جایگاه او در تعالیم پیامبر اکرم (ص) بازنماییم. نام وی را می‌توان ۶۹ بار و در ۲۵ سوره قرآن دید. در قرآن کریم داستان ابراهیم (ع) به تفصیل بیان، و

1. *Mohammed en de joden in Medinu.*

شأنی والا به او اختصاص داده شده است.

بر پایه قرآن کریم ابراهیم (ع) یکی از انبیاء بزرگ الهی، و مسلمانی پاک دین و مطیع امر خدا (بقره/ ۱۳۵)، یکتاپرستی خالص و شاکر (نحل/ ۱۲۰)، صبور (توبه/ ۱۱۴)، مهربان و دل‌سوز (توبه/ ۱۱۴)، تواب (هود/ ۷۵)، صدیق (مریم/ ۴۱)، و بردبار (هود/ ۷۵) بوده، و دین خود را نیز به‌تمامی ادا کرده است (نجم/ ۳۷). گاهی هم از وی با اوصاف دیگری مثل خلیل خدا (نساء/ ۱۲۵)، حنیف و اهل صلاح (بقره/ ۱۳۵)، خلیفه، رسول، امام، آواه، سلیم‌القلب، مُحسِن، مُخلَص، رشید، صدیق و موقن (صافات/ ۸۴) یاد می‌شود. به‌طبع هرکدام از این اوصاف به ابعادی از شخصیت معنوی و اخلاقی وی اشاره دارد.

در باره کوشش‌های ابراهیم (ع) برای دعوت مردم به یکتاپرستی، مبارزه او با شرک و هم‌چنین برگزاری مراسم حج در آیاتی از قرآن کریم سخن به میان آمده است. توصیف وی به «حنیف» در موضوعی از قرآن و سخن گفتن از ملت ابراهیم یا همان دین او (بقره/ ۱۳۰، ۱۳۵؛ آل‌عمران، ۹۵؛ نساء/ ۱۲۵؛ انعام/ ۱۶۱؛ نحل/ ۱۲۳)، این گمان را قوت می‌بخشد که احتمالاً در عربستان قبل از بعثت پیامبر (ص) نوعی وحدانیت و یگانه‌پرستی بومی منسوب به ابراهیم (ع) رواج داشته است.

از دیدگرسو، سنت، کردار، منش و قداست ابراهیم (ع) در قرآن با درجه‌ای از اعتبار تصویر می‌شود که امت اسلامی مأمور به پیروی از او می‌گردند و حتی بنا به دستور الهی جایگاهی منسوب به او در نزدیکی کعبه را — که اکنون «مقام ابراهیم (ع) خوانده می‌شود — هنگام حج خود مُصلی برای نماز می‌گیرند:

وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى (بقره/ ۱۲۵).

برخی مفسران قرآن کریم بر این باور اند که نفی نسبت به شرک به ابراهیم (ع) در آیات متعددی در مقام احتجاج با یهودیان و مسیحیان و در بافت امر مخاطبان به پذیرش دین حنیفیت حاکی است که احتمالاً انتساب تعالیم اسلامی به دین کهن حنیفیت ابراهیمی از جانب یهودیان و مسیحیان با طعنه شرک‌آلودگی هم‌راه می‌شده است. آن‌ها بر این پایه مُحتمَل می‌دانند که مخاطبان مکی بت‌پرست پیامبر (ص) ادعا می‌کرده‌اند بر دین حنیف ابراهیم (ع) استوار اند و از آئین وی پیروی می‌کنند. به‌همین سبب نیز اهل کتاب لقب حنفاء را به مشرکان

مکه می‌داده‌اند و حنفیت را به معنای بت‌پرستی می‌گرفته‌اند. قرآن در یک چنین بستری هرزمان وصف حنیف را در مورد ابراهیم (ع) به کار می‌برد آن را با اوصافی مثل «مُسْلِماً وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (برای نمونه، بنگرید به: آل عمران/ ۶۷) همراه می‌کند تا بت‌پرستی ابراهیم (ع) به آذهان متبادر نشود (طباطبایی، المیزان، ۳/ ۲۴۵).

۲-۲) معنای ملت ابراهیم

خاورشناسان یادشده توجهی به آیات و روایات و دیگر شواهد مخالف آراء خود نداشته‌اند. هورخرونیه تعبیر «ملة ابراهیم» را مربوط به آیات و سوره‌های مدنی می‌داند؛ درحالی‌که همین عبارت در آیه ۱۲۳ سوره نحل نیز که از آیات مکی قرآن است یاد می‌شود. افزون بر آیات مکی یادشده و روایات حاکی از مکی بودن آیه مذکور، نولدکه نیز این سوره را جزء سوره‌های مکی دانسته، و در بخش مربوط به دوره سوم مکی کتاب خود مکتوب کرده است (بنگرید به: نولدکه، تاریخ قرآن، ۱، ۵۰؛ نیز، بل، درآمدی بر تاریخ قرآن، ۱۶۵).

همین تعبیر را در سوره یوسف نیز که افزون بر عالمان مسلمان خود نولدکه هم از سوره‌های مکی می‌داند می‌توان یافت: «وَأَنْبَعُثْ مَلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ...» (یوسف/ ۳۸). این عبارت بخشی از حکایت گفتگوهای یوسف (ع) در زندان است. از بافت آیه می‌توان دریافت که مراد از «ملت ابراهیم» در این آیه تنها دین خود ابراهیم (ع) نیست و آیه به دین همه آباء و اجداد یوسف (ع) اشاره دارد.

۳-۲) ابراهیم به مثابه نیای قوم عرب

پیش از هر سخنی گفتنی است که در عهد عتیق از مسافرت ابراهیم به مکانی به نام صحرای فاران سخن رفته، و داستان ولادت اسحاق — فرزند ابراهیم (ع) — در فاران به طور کامل توضیح داده شده است (سفر پیدایش ۱۴: ۹-۲۱). نیز، درباره سفر ابراهیم (ع) به همراه کنیزش هاجر به کنار چشمه‌ای در یک بیابان، بشارت هاجر به زیاد شدن نسل ابراهیم (ع) از فرزندان هاجر، و ولادت اسماعیل (ع) از هاجر در همان محل سخن رفته است (سفر پیدایش ۱۶: ۸-۱۶).

برخی مفسران مسلمان معتقد اند فاران محل کنونی شهر مکه (بنگرید به: خزائلی، قاموس قرآن، ۶۸)، و آن فرزند ابراهیم نیز که در فاران به دنیا آمد اسماعیل (ع) است؛ نه اسحاق. از این منظر، قبل از آن که قرآن در آیات و سوره‌های خود ارتباط ابراهیم (ع) را با قوم عرب بیان کند، در عهد عتیق ابراهیم هم چون پدر و نیای قوم عرب یاد شده است. به طبع خاورشناسان چنین انتسابی را پذیرا نمی‌شوند و گزارش‌های اسلامی را نتیجه تحریف متون و تفسیرشان به نفع خود مسلمانان می‌انگارند.

به هر حال، یک مسئله مهم این است که هورخروینه و ونسینگ در بحث از عدم ارتباط نسبی بین ابراهیم و اسماعیل (ع) در آیات مکی، تمام آیات مربوط را بررسی نکرده، و از شواهد مخالف نظر خود غافل شده‌اند. مدعای ایشان درباره شماری از آیات مکی مربوط به داستان ابراهیم (ع)، هم چون آیات ۴۵-۴۸ سوره ص، آیات ۴۱-۵۴ سوره مریم، و آیات ۵۱-۸۵ سوره انبیاء صادق است. با این حال، آیاتی نیز می‌توان خلاف نظر ایشان یافت.

برای نمونه، در آیه ۳۹ سوره ابراهیم که درباره سپاس‌گزاری ابراهیم (ع) از خدا به خاطر عطای دو فرزندش اسماعیل (ع) و اسحاق در سن کهولت سخن می‌رود، و در آیات ۱۰۰-۱۰۷ سوره صافات که در آن سخن از بشارت تولد اسماعیل (ع) و فرمان ذبح وی رفته این ارتباط نسبی میان ابراهیم و اسماعیل (ع) برقرار است. این آیه‌ها بی‌تردید همه مکی هستند و چنان‌که یاد شد، مستشرقان خود نیز این معنا را تأیید نموده‌اند.

افزون بر این، هر چند موضوع بنای کعبه در سوره بقره که از سور مدنی قرآن است مطرح شده، پیوند میان کعبه و ابراهیم (ع) و مهاجرت ابراهیم (ع) به منطقه‌ای بی‌آب و علف هم‌راه با همسر و فرزند از مسائلی است که در سوره ابراهیم — از سور مکی قرآن — بیان شده است (ابراهیم/ ۳۷-۳۵). پس چنین استدلالی نیز کامل نیست که بگوییم یاد نشدن بحثی در آیات مکی لزوماً بر تکامل تدریجی دانش پیامبر (ص) درباره آن بحث دلالت می‌کند.

۳-۲) ارتباط ابراهیم با مکه

براین پایه که پیامبر اکرم (ص) — برخلاف تصور مستشرقان یادشده — در شهر مکه نیز با دین ابراهیم و ارتباط او با قوم عرب آشنایی داشته‌اند می‌توان استدلال کرد که اگر قرار بر این بود که پیامبر (ص) برای جلب حمایت‌های قوم عرب به ابراهیم (ع) تلاش بکند، این تلاش

بایستی در مکه صورت می‌گرفت؛ باشد که پیامبر (ص) بتواند به این روش مردم مکه را ترغیب و تشویق به حمایت از خود کند؛ چرا که مردمی که خود را از نوادگان ابراهیم (ع) و نسل اسماعیل (ع) می‌دانستند، ساکن مکه بودند.

ازدیگرسو، گرچه آیات پرشماری از قرآن حکایت از این می‌کنند که مشرکان مکه کوشش‌هایی برای جلب نظر پیامبر اکرم (ص) و بازگرداندن او از مخالفت با بت‌ها کرده‌اند (برای نمونه، نک: کافرون/ سراسر سوره)، هیچ آیه‌ای از قرآن کریم یا سند تاریخی قابل‌اعتمادی حکایت از کوشش پیامبر (ص) برای سازش‌کاری با مشرکان مکه نمی‌کند. از این نظر، هیچ تفاوتی نیز بین سوره‌ها و آیات مکی با آیات و سور مدنی وجود ندارد (بنگرید به: طباطبایی، المیزان، ۱۶۴/۷).

درنهایت می‌توان گفت بررسی معنا و مفهوم آیات مکی و مدنی مربوط به ابراهیم (ع) نشان می‌دهد که از ابتدای امر وحدت رویه‌ای در آیات مکی و مدنی وجود داشته، و این وحدت رویه نشان‌دهنده انسجام درونی این داستان در آیات مختلف قرآن است.

۳. هویت ذبیح

از دیگر مسائلی که مستشرقان درباره ابراهیم (ع) به بحث گذاشته‌اند هویت ذبیح او است.

۳-۱) آراء گایگر

ظاهراً قدیم‌ترین محقق‌ی که درباره هویت ذبیح ابراهیم (ع) بحث کرد آبراهام گایگر (۱۸۱۰-۱۸۷۶م/ ۱۱۸۹-۱۲۵۵ش)، یهودشناس و اسلام‌شناسی آلمانی بود. وی در حوزه‌های مطالعات مختلف اسلامی خود می‌خواست به این پرسش پاسخ دهد که دین اسلام در چه زمینه‌هایی از آیین مسیحیت و یهودیت اثر پذیرفته است (برای مرور آراء او، بنگرید به: بیگدلی، پژوهش آبراهام گایگر...، سراسر اثر).

او در سخن از این نیز که چه کسی فرمان خدا قرار بود به دست ابراهیم (ع) ذبح شود نیز مطالعاتی داشت. آن‌چه برای او ابهام ایجاد می‌کرد این بود که در قرآن برخلاف عهد عتیق که اسحاق (ع) را ذبیح ابراهیم (ع) شناسانده است، از فرزند دیگر او اسماعیل (ع) هم‌چون ذبیح یاد می‌شود (بنگرید به: سفر پیدایش ۲۲: ۱-۱۳). او براین پایه می‌خواست بداند اگر تعالیم

اسلامی به زعم او متأثر از باورهای یهودی و مسیحی شکل گرفته‌اند چرا در باور مسلمانان ذبیح ابراهیم (ع) نه اسحاق بلکه اسماعیل (ع) شناسانده می‌شود (برای اشارات او به این دغدغه، بنگرید به: گایگر، محمد (ع) از یهودیان چه چیزی اخذ کرد، سراسر کتاب).

وی در کتاب خود با عنوان *یهودیت و اسلام*^۲ بحث‌هایی را نیز به داستان‌های قرآن اختصاص داده است. او در این بحث‌ها نخست گزارش قرآن از این داستان‌ها را ارائه می‌کند. سپس در کنار آن به تفصیل داستان در *عهد عتیق* می‌پردازد. او هر جا تفاوتی میان تحریر قرآنی داستان با تحریر *عهد عتیق* از آن می‌بیند چنین مفروض می‌گیرد که پیامبر اکرم (ص) به دلیلی هم‌چون کم‌بود آگاهی از متون قوم یهود دچار خطا شده است.

با این حال، وی در بحث از هویت ذبیح فراتر از این می‌رود و چنین بیان می‌دارد که اسماعیل (ع) در میان عرب‌ها و مسلمانان جایگاه و ارزش والایی داشته، و همین باعث شده است که مسلمانان ذبیح بودن او را به جای اسحاق ترویج کنند (گایگر، *یهودیت و اسلام*، 103). وی می‌افزاید از آن‌جا که عرب‌های عصر پیامبر (ص) اسماعیل (ع) را جد قوم خود می‌دانسته و برایش احترام ویژه‌ای قائل بوده‌اند، مسلمانان نخستین با تحریف هویت ذبیح و انتساب ذبیح‌الله بودن به او، خواسته‌اند جایگاه قوم عرب را تقویت کنند (همان‌جا).

گایگر معتقد است بخشی از این هدف در قرآن دنبال شده است. مثلاً، این‌که در قرآن اسماعیل هم‌چون فرزند بزرگ‌تر ابراهیم (ع) شناسانده می‌شود که بعد از امر پدر به ذبح او و به نشانه پیروزی پدر در آزمایش الهی سخن از بشارت یافتنش به فرزند دیگری به نام اسحاق (ع) می‌رود (بنگرید به: صافات/ ۱۰۰-۱۱۲) با این هدف صورت پذیرفته است که تغییر هویت ذبیح باورپذیرتر جلوه کند (گایگر *یهودیت و اسلام*، 103).

۲-۳) ریوون فایرستون

در دوران معاصر، محقق دیگری به نام ریوون فایرستون (متولد ۱۹۵۲م/ ۱۳۳۱ش) که متخصص مطالعات روابط یهودیت و اسلام در سده‌های میانی است مقاله «ابراهیم» برای

1. Geiger, *Was hat Mohammad aus dem Judentume aufgenommen.*

2. *Judaism and Islam.*

دائرة المعارف قرآن ویراسته مک‌اولیف نوشته است. او در این مقاله با مرور توصیفات ابراهیم (ع) در قرآن از این می‌گوید که بخش قابل توجهی از توصیفات قرآنی ابراهیم (ع) با توصیفات او در **عهد عتیق** منطبق است. مثلاً در هر دو ابراهیم یگانه‌پرستی است که از پدر و خویشان به خاطر بت‌پرستی جدا می‌شود، معبدی مقدس بنا می‌نهد، از خدا درباره زنده شدن مردگان در قیامت سؤال می‌کند و مأمور به ذبح چهار پرنده می‌شود، و پیوندی با لوط نبی (ع) دارد (فایرستون، «ابراهیم»، ۱، 6).

فایرستون معتقد است که باین‌حال، در برخی داستان‌ها نیز اختلاف روایت اسلامی با روایات یهودی - مسیحی را می‌توان دید. از جمله، در روایت رؤیای ابراهیم و مأمور شدنش به ذبح فرزند چنین اختلافی دیده می‌شود. برپایه قرآن فرزندی که قرار است ذبح شود وقتی از نیت پدر خود آگاه می‌گردد او را به اطاعت امر خدا تشویق می‌کند؛ اما چنین مضمونی در ادبیات عهدینی مشاهده نمی‌شود (فایرستون، «ابراهیم»، 6).

افزون‌براین، به باور او قرآن هویت ذبیح را مشخص نمی‌کند. وی می‌افزاید مطالعه متون تفسیری کهن اسلامی نیز نشان می‌دهد که اکثر مفسران قرآن تا اواسط سده ۲ق/ ۹م اسحاق را هم‌چون ذبیح پدر می‌شناخته‌اند؛ اما بعدها نقش اسماعیل (ع) در تعالیم اسلامی به تدریج پررنگ‌تر شده، و اسماعیل جای اسحاق (ع) را در اذهان عموم مسلمانان گرفته، و باور به ذبیح بودن وی در زمره باورهای مشهور مسلمانان درآمده است (بنگرید به: فایرستون، «ابراهیم»، 6). فایرستون معتقد است که مسلمانان خود نیز البته در این‌باره اختلاف نظر دارند: شیعیان همگی اسماعیل (ع) را ذبیح می‌دانند؛ اما برخی مفسران اهل سنت از این گفته‌اند که اسحاق ذبیح پدر بوده است (همان‌جا).

۳-۳) نقد و بررسی

هرگاه دیدگاه‌های گایگر و فایرستون از منظر متون اسلامی بازخوانی شوند اشکالاتی در آن‌ها دیده می‌شود که اکنون به بیان آن‌ها می‌پردازیم. نخست این‌که برپایه برخی آیات قرآن ذبیح پدر اسماعیل بوده است نه اسحاق (ع). در آیات ۱۰۰-۱۱۲ سوره صافات که پیش از این

هم یاد شد، سخن از این می‌رود که ابراهیم (ع) دعا کرد و از خدا فرزندی شایسته خواست. این‌گونه، ابراهیم (ع) به فرزندی بشارت داده شد (صافات/ ۱۰۱).

بر پایه آیات بعد، چون این فرزند هم‌راه پدرش به «سعی» رسید پدر به او گفت که در خواب دیده است که باید او را ذبح کند (صافات/ ۱۰۲). مفسران مسلمان تعبیر سعی را کنایه از بلوغ و سنّ توان انجام کار (خلیل بن احمد، العین، ۲/ ۲۰۲؛ راغب اصفحانی، المفردات، ۱/ ۴۰۱؛ مصطفوی، التحقیق، ۵/ ۱۳۲)، یا حاکی از آیین سعی صفا و مروه دانسته‌اند (الهی قمشه‌ای، ترجمه قرآن، ذیل آیه). معنای این تعبیر هرچه باشد، حکایت از آن می‌کند که فرزند شایسته‌ای که با دعای ابراهیم (ع) تولد یافته، چند سالی عمر کرده است.

آن‌گاه در ادامه داستان گفته می‌شود که بعد از پذیرفتگی ابراهیم (ع) در امتحان ذبح فرزند، خدا او را به اسحاق بشارت داد: «وَبَشِّرْنَا هَاسِحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ» (صافات/ ۱۱۲). به طبع درخواست ابراهیم (ع) از خدا که در آیه «رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ» (صافات/ ۱۰۰) یاد می‌شود، خاصه با کاربرد تعبیر «مِنَ» تبعیضیه، حکایت از آن دارد که او طالب کم‌ترین مراتب برخوردار از فرزند است؛ یا به بیان دیگر، چنین لحنی برای درخواست از خدا زمانی معنا دارد که ابراهیم (ع) هیچ فرزندی نداشته باشد (بنگرید به: فخرالدین رازی، التفسیر الکبیر، ۲۶/ ۳۴۷). نکته دیگر این‌که در آیه «وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلِّ مِنَ الصَّابِرِينَ» (انبیاء/ ۸۵) صفت صابر بودن برای اسماعیل (ع) یاد شده است که با صبر وی بر امر پدر به ذبح او تناسبی تام دارد (بنگرید به: فخرالدین رازی، التفسیر الکبیر، ۲۶/ ۳۴۷).

وانگهی، آیات یادشده گویا هستند که بشارت به ولادت اسحاق (ع) بعد از امتحان ذبح فرزند نخستین روی داده، و ذبیح پدر نیز بر پایه قرآن فرزندی بوده که پیش از ولادت اسحاق (ع) به بلوغ یا دست‌کم سنی فراتر از خردسالی رسیده بوده است (برای تفصیل بحث، بنگرید به: فخرالدین رازی، همان‌جا). از طرف دیگر، آیه «وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَا هَاسِحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ» (هود/ ۷۱) را نیز می‌توان چنین تفسیر کرد که یعقوب (ع) فرزند سوم ابراهیم (ع) بوده، و اسماعیل بزرگ‌ترین فرزند ابراهیم (ع) به‌شمار می‌رفته است (ابن شهر آشوب، متشابه القرآن، ۱/ ۲۲۷؛ نیز، بنگرید به: الاهی و سازندگی، «نقد مقاله...»، ۱۷۷). به این‌که اسماعیل (ع) فرزند بزرگ‌تر ابراهیم (ع) باشد، چنان‌که یاد شد، در عهد عتیق

نیز تصریح شده است.

از مجموع این شواهد می‌توان چنین دریافت که برخلاف نظر فایرستون، در خود قرآن هم سو با عهد عتیق از اسماعیل (ع) هم‌چون فرزند بزرگ‌تر ابراهیم (ع) یاد، و او را ذبیح پدر معرفی کرده است. به بیان دیگر، این تصور که مسلمانان بعدها به این جمع‌بندی رسیدند که اسماعیل (ع) را ذبیح بینگارند و ذبیح اسحاق را از یاد ببرند برداشتی ناصحیح از مسئله است. نکته آخری که باید افزود این است که در روایات اسلامی مربوط به اواخر سده نخست هجری نیز می‌توان نمونه‌هایی از یادکرد حکایت ذبیح اسماعیل (ع) را مشاهده کرد. از آن جمله است روایتی از امام باقر (ع) که جمرة وسطی را محل ذبیح وی می‌شناساند (بنگرید به: کلینی، الکافی، ۲۰۹/۴).

نتیجه

آراء برخی خاورشناسان درباره توصیفات متفاوت ابراهیم (ع) در قرآن و هویت ذبیح او نشان‌دهنده مطالعه عمیق و تتبع بسیار ایشان در منابع اسلامی و تسلط به آیات و سوره‌های قرآن است. با این حال، به نظر می‌رسد ندیدن برخی منابع، خاصه منابع تفسیری و حدیثی شیعه و مراجعه یک‌سویه به منابع عامه مسلمانان آسیب‌هایی به تحلیل ایشان زده باشد. گذشته از این، تحلیل آیات قرآن با مفروض انگاشتن تغییر و تحریف آن‌ها و با مفروض انگاشتن این‌که باورهای مسلمانان بر پایه تأثیرپذیری شدید از آیین یهودیت و مسیحیت شکل گرفته، آسیب‌های پرشماری به اعتبار نتایج ایشان زده است.

در بحث از تفاوت توصیفات ابراهیم در سوره‌های مکی و مدنی، چنان‌که دیدیم، این خاورشناسان شماری از آیات مکی را که در آن‌ها ابراهیم هم‌چون جد قوم عرب یاد شده بود نادیده گرفته بودند. نیز، مفروض انگاشته بودند که پیامبر (ص) در محیط مکه امکانی برای آشنایی با ابراهیم (ع) نداشته، و صرفاً بعد از هجرت به مدینه و به نحو تدریجی با او آشنا شده است. در بحث از هویت ذبیح نیز مشابه همین برداشت‌های ناصحیح روی داده بود: آن‌ها چنین فرض کرده بودند که ذبیح انگاشته شدن اسماعیل (ع) تنها بعد از دو سده نخست هجری روی داده است.

منابع

- ۱- قرآن کریم؛ اصل عربی، نیز: ترجمه فارسی مهدی الهی قمشاهی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۲۵ ش.
- ۲- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مشابه القرآن*، تهران، شرکت سهامی طبع کتاب، ۱۳۲۸ ق.
- ۳- الهی، عباس و سازندگی، مهدی، «نقد مقاله ابراهیم (ع) نوشته فایرستون»، *قرآن پژوهی خاورشناسان*، سال ۱۵، شماره ۲۸، بهار و تابستان ۱۳۹۹ ش.
- ۴- آقاحسینی، حسین و زراعتی، سمانه، «بررسی تطبیقی داستان حضرت ابراهیم در متون تفسیری و عرفانی تا قرن هفتم هجری»، *الهیات تطبیقی*، دوره ۱، شماره ۲، تیرماه ۱۳۸۹ ش.
- ۵- بل، ریچارد، *درآمدی بر تاریخ قرآن*، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، قم، مرکز ترجمه قرآن، ۱۳۸۲ ش.
- ۶- بیک محمدی خلیل الله، «مطالعه تطبیقی واقعه تاریخی: ذبح حضرت اسماعیل (ع) در متون مذهبی با یافته‌های باستان‌شناسی از بابل تا بین‌النهرین»، *مطالعات باستان‌شناسی پارس*، سال دوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۷ ش.
- ۷- بیگدلی، عاطفه، *پژوهش آبراهام گایگر در ارتباط قرآن با منابع یهودی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ۱۳۹۲ ش.
- ۸- حیدری علی‌رضا، «نقد و بررسی نظریه برخی از مستشرقان در باب تناقض در آیات قرآن کریم»، *پژوهش نامه معارف قرآنی*، سال ششم، شماره ۲۰، بهار ۱۳۹۴ ش.
- ۹- خزائلی محمد، *اعلام قرآن*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۹ ش.
- ۱۰- خلیل بن احمد، *العین*، به کوشش مهدی مخزومی و ابراهیم سامرایی، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۰ م.
- ۱۱- راغب اصفهانی حسین بن محمد، *المفردات*، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ ق.
- ۱۲- سحاب، ابوالقاسم، *فرهنگ خاورشناسان*، تهران، سحاب، ۱۳۵۶ ش.
- ۱۳- طباطبایی محمدحسین، *المیزان*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.

- ۱۴- عبد‌اللهی، حسین، *فرهنگ اسلام‌شناسان خارجی*، اصفهان، مطهر، ۱۳۶۲ش.
- ۱۵- *عهد عتیق*، تهران، انجمن کتاب مقدس ایران. ۱۳۸۰ش.
- ۱۶- فخرالدین رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- ۱۷- مصطفوی حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
- ۱۸- ملک‌لو، صدیقه و دیگران، «تحلیل انتقادی دیدگاه برخی خاورشناسان درباره تفاوت چهره ابراهیم و اسماعیل در سور مکی و مدنی»، *مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی*، سال دوم، شماره ۱، فروردین ۱۳۹۷ش.
- 19- Firestone, Reuven, "Abraham", *Encyclopaedia of the Quran*, vol. 1, Leiden, Brill, 2001.
- 20- Geiger, Abraham, *Judaism and Islam*, Berlin, M.D.C.S.P.C.K, 1898.
- 21- Geiger, Abraham, *Was hat Mohammd aus dem Judentume Aufgenommen*, Bonn, F. Baaden, 1833.
- 22- Hurgronje, Christian Snouck, *Het Mekkaansche feest*, E.J. Brill, Leiden 1880.
- 23- Noldeke, Theodor, *The History of the Qur'an*, tr. Wolfgang H. Behn, Leiden, Brill, 2013.
- 24- Paret, Rudy, "Ibrāhīm", *Encyclopedia of Islam*, vol. III, Leiden, Brill, 1986.
- 25- Wellhausen, Julius, *Reste Arabischen Heidentumes*, vol. 3, Berlin, Georg Reimer, 1887.
- 26- Sprenger, Aloys, *The Life of Mohammd*, AllahAbad, Persbyterian Mission Press, 1851.
- 27- Wensinck, A. J., *Mohammed en de Joden in Medinu*, Leiden, E. J. Brill, 1908.

Bibliography

1. The Holy *Kurān*, Arabic *Text*, also: Persain translation by Mahdi Elāhī Qomshe-ʿī, Tehran, ‘Elmī Publication, 1325 SAH.
2. ‘Abdollahī, Ḥoseyn, *The Dictionary of Foreign Orientalists*, Isfahan, Moṭahhar publication, 1362 SAH.
3. Āqā Ḥoseynī, Ḥoseyn and Zerāʿatī, Samāne, “The Abraham Story in Comparison to the Mystical and Hermeneutic Persian Texts up to the Tenth Century AH”, *Comparative Studies*, Comparative Theology, 2nd No., Tir 1389 SAH.
4. Bell, Richard, *An Introduction to the History of the Qur’ān*, Persian translation by Bahā’uddīn Khorramshāhī, Qom, Qurān Translation Centre, 1382 SAH.
5. BeykMuḥammadī, Khalīlullāh, “The Comparative Study of the Historical Event: Sacrifice of Hazrat Ismail in Religious Texts with Archaeological Findings from Babylon”, *Parseh Journal of Archaeological Studies*, vol. II, No. 4, summer 1397 SAH.
6. Bīgdelī, ‘Āṭefe, *Abraham Geiger’s Research on the Relationship between the Qur’ān and Jewish Sources*, Master's Thesis of Quran and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Science and Research Branch of Tehran, 2013.
7. Elāhī, ‘Abbās and Sāzandegī, Mahdī, “Critique of Firestone’s Article Abraham”, *Qurān from Orientalists Point of View*, vol. 15, No. 28, 1399 SAH.
8. Fakhr al-Dīn Rāzī, Muḥammad b. ‘Umar, *Al-Tafsīr al-Kabīr*, Beirut, Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī, 1420 AH.
9. Firestone, Reuven, “Abraham”, *Encyclopaedia of the Quran*, vol. 1, Leiden, Brill, 2001.
10. Geiger, Abraham, *Judaism and Islam*, Berlin, M.D.C.S.P.C.K, 1898.
11. Geiger, Abraham, *Was hat Mohammad aus dem Judenthume Aufgenommen*, Bonn, F. Baaden, 1833.
12. Ḥeydarī, ‘AlīReḏā, “Studying the Orientalists oncerning

- Contradiction in *Quran* Verses”, *Quranic Knowledge Research*, vol. VI, no. 20, spring 1394 SAH.
13. Hurgronje, Christian Snouck, *Het Mekkaansche feest*, E.J. Brill, Leiden 1880.
 14. Ibn Shahr Āshūb, Muḥammad b. ‘Āli, *Mushābih al-Qurān*, Tehran, Ṭab‘ Ketāb Joint Stock Company, 1410 AH.
 15. Khālil b. Aḥmad, *Al-‘Ayn*, ed. Mahdī Makhzūmī and Ibrāhīm Sāmīrā’ī, Beirut, Dār wa Maktaba al-Hilāl, 1980.
 16. Khazā‘elī, Moḥammad, *Alām-e Qurān*, Tehrān, Amīrkabīr, 1389 SAH.
 17. Maleklū, Şeddīqe et al, “Critical Analysis of the Viewpoint of Some Orientalists on the Difference between the Figure of Abraham and Ishmael in Meccan and Medinan Chapters” *Quranic studies and Islamic culture*, vol. II, no. 1, April 2017.
 18. Muşṭafawī, Ḥasan, *Al-Taḥqīq fī Kalimāt al-Qurān al-Karīm*, Tehrān, Translation and Publication of Book Foundation, 1360 SAH.
 19. Noldeke, Theodor, *The History of the Qur’ān*, tr. Wolfgang H. Behn, Leiden, Brill, 2013.
 20. Paret, Rudy, “Ibrāhīm”, *Encyclopedia of Islam*, vol. III, Leiden, Brill, 1986.
 21. Rāqīb Isfāhānī, Ḥusayn b. Muḥammad, *Al-Mufradāt*, Beirut, Dār al-‘Ilm, 1412 AH.
 22. Saḥāb, Abulqāsem, *Dictionary of Orientalism*, Tehrān, Saḥāb, 1356 SAH.
 23. Sprenger, Aloys, *The Life of Mohammad*, AllahAbad, Persbyterian Mission Press, 1851.
 24. Ṭabāṭabāyī, Muḥammad Ḥusayn, *Al-Mīzān*, , Qom, Djamā’a al-Mudarrisīn, 1417 AH.
 25. *The Old Testament*, Persian translation, Tehrān, Iranian Bible Association, 1380 SAH.

- 26- Wellhausen, Julius, *Reste Arabischen Heidentumes*, vol. 3, Berlin, Georg Reimer, 1887.
- 27- Wensinck, A. J., *Mohammed en de Joden in Medinu*, Leiden, E. J. Brill, 1908.

